

# آشنایی کودکان پیش دبستانی با نوشتن اولین قدم در شناخت ادبیات

مترجم: بهاره بهداد

زبان به کودکان پیش دبستانی، باید به آن توجه داشت، آموزش از طریق اشکال و شبیه سازی است. این روش آموزش نوشتن که روش بسیار مؤثری است، کودک را به سمت یادگیری اصولی زبان هدایت می کند.

روش های آموزش زبان می بایست در رأس برنامه های مهدکودکها در آخرین سال (پنج سالگی) حضور کودکان در مهد باشد و در دوره پیش دبستانی نیز ادامه یابد. زیرا برای آموزش نوشتن در سال اول دبستان، این آمادگی ها بسیار ضروری است. به طور خلاصه، باید گفت که چرخه آموزشی اصولی، از مهدکودک آغاز می شود و در دوره پیش دبستانی ادامه می یابد. تمام

اکثر کودکان، از چهار سالگی و گاهی قبل از آن، به نوشته های اطراف خود توجه می کنند. آن ها دوست دارند معنی نوشته ها را بدانند و گاهی با شکل کلمات، در ذهن خود شبیه سازی می کنند. بعضی اوقات این شبیه سازی، بین نوشتار و گفتار انجام می شود و اگر چه گاهی این دو همخوان نیستند، برای فهم بیشتر از نوشتن استفاده می شود. مهدها و مراکز پیش دبستانی، می بایست کودکان را در آشنایی تدریجی با فرم نوشتاری زبان که خود ساختار نوشتن است، یاری دهند. به عنوان مثال، آموزش آواها، واجها و صداها از روی لوح هایی که حروف الفبا را نمایش می دهند، می تواند روش مناسبی باشد. آنچه در آموزش



یکی از مؤثرترین فعالیت‌هایی که در این حوزه انجام می‌شود، این است که از یک کودک و یا گروهی از کودکان، درخواست می‌شود متنی را که دوست دارند، در دل مطلب دیگری، به مریب خود دیکته کنند.

برای آن که کودک به طور مؤثر، در ۳ تا ۶ سالگی، پیوسته به یادگیری نوشتن بپردازد، به برنامه‌ریزی مشخص در باره کاربردهای مختلف نوشتن، نیاز است و برنامه ایده‌آل، برنامه‌ای است که پیامد آن، غنی شدن دانسته‌های کودک باشد. بنابراین، اصول نوشتن باید مشخص و دسته‌بندی شود و از طریق شبیه‌سازی با آنچه در ذهن کودک وجود دارد، به او آموزش داده شود. در مورد کودکان بزرگتر، می‌توان با به کارگیری آنان در امر سازمان‌دهی مواد نوشتاری آغاز کرد. مثلاً از آن‌ها خواست تا در کتابخانه، کتاب‌هایی را که خصوصیت ویژه‌ای دارند، از بقیه جدا کنند.

هدف تمام این فعالیت‌ها، تسلیم کودک در برابر یک دستور نیست؛ آن هم دستور انجام کاری که برای کودک کمی دشوار است و همین طور هدف، محول کردن یک وظیفه به عهده دانش‌آموزان نیست تا کتاب‌هایی را دسته‌بندی کنند، بلکه تنها از کودکان انتظار می‌رود که مواد نوشتاری را در دست بگیرند و با شکل ظاهری آن‌ها آشنا شوند. آن‌ها را با یکدیگر مقایسه و در گروه‌هایی دسته‌بندی کنند و هر گروه، از گروه دیگر راجع به کتاب‌هایی که جدا کرده‌اند، سؤال کنند. به این ترتیب، آن‌ها با فیزیک مواد نوشتاری آشنا می‌شوند.

### مأنوس شدن کودک با زبان نوشتار

در زبان فرانسه، اختلافی که بین زبان گفتار و نوشتار وجود دارد، بسیار پراهمیت است. در کلمات این زبان، حروفی وجود دارد که نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند. این حروف به ریشه کلمات و صرف افعال برمی‌گردد.

برنامه‌ریزی‌های مربوط به فعالیت‌های کودکان، در مراکز پیش‌دبستانی، تحت تأثیر مستقیم آموزش‌های دوران مهد است.

شناخت اصول کاربردی و اجتماعی نوشتن کودکان می‌تواند و می‌بایست، قبل از توانایی خواندن، با اصول و کارکرد نوشتن آشنا شوند.

این مهم، از طریق بازی با وسایل کمک آموزشی متداول این حوزه و با لوح‌های نشانه‌های زبانی (کلمات - حروف) و کتاب‌های آموزشی، تأمین می‌شود. علاوه بر این، توجه به روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های گروهی بسیار مؤثر است.

محیط آموزشی، اولین جایی است که به کودک در این امر کمک می‌کند و در اولویت‌های بعدی، نقش محله، فضای خانواده، کتابخانه‌ها و موزه‌های اطراف که محیط زندگی او را می‌سازند، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

جست‌وجوی کودک در امر یادگیری نوشتن، زمانی آغاز می‌شود که بزرگترها کاربردهای روزانه نوشتن را به کودک به خوبی نشان می‌دهند. تمرکز کودک به نوشته‌ها زمانی بیشتر می‌شود که او در کارگاه‌های آموزشی تخصصی آموزش ابتدایی نوشتن شرکت کند. این کارگاه‌ها فضایی مناسب برای کودک ایجاد می‌کند و او می‌تواند با صدای بلند بپرسد که مثلاً فلان کلمه را چطور می‌نویسند و همین گفت و گو به او اجازه می‌دهد تا سؤالات بیشتری بپرسد و آنچه برایش نامفهوم است، روشن شود و در اولین برخورد او با مسئله نوشتن، اثر خوبی در ذهن او به جا بگذارد. در پایان هر کلاس، مریب داستانی را با صدای بلند می‌خواند.

## بازی با آواز، شعر، موسیقی، نمایش و نظایر آن از جمله مواردی است که با جلب توجه کودک، ناخودآگاه، او را با واحدهای مجزای زبان آشنا می‌کند.

درخواست بازخوانی از بزرگ‌ترها، دوباره به آن بازگردد تا جمله‌ای را کامل کند و یا آن را تغییر دهد. هر نوع نوشته‌ای به کودک اجازه جست و جو در کشف قوانین حاکم بر نوشته را می‌دهد. مثلاً تفاوت موجود بین نظم و نثر را به خوبی می‌فهمد.

برای برنامه‌ریزی در این مورد، چند عامل مهم را باید در نظر گرفت. تعداد دانش‌آموزانی که در این آزمون‌ها شرکت می‌کنند، باید مشخص باشد (هر چه آزمون‌ها مشکل‌تر باشد، دانش‌آموزان کم‌تری شرکت می‌کنند) هم‌چنین، بلند یا کوتاه بودن متن، تعداد لغات، طرح موضوع قبل از جلسه، انتخاب موضوع نثر و نظم و یا خصوصیات دیگر آن باید در نظر گرفته شود.

متون انتخابی، در شکل‌گیری شناخت اولیه کودکان از زبان‌نگارش، بسیار مؤثرند. به این شرط که متون به نحوی باشند که کودک با دایره واژگانی خود، قادر به درک آن باشد و بتواند آن را با زبان خود تعریف کند. متنی را که کودک دیکته می‌کند، قبلاً مربی یا صدای بلند برای او خوانده است.

کتاب‌های تصویری، برای کودکان پیش‌دبستان که هنوز سواد خواندن و نوشتن ندارند، طراحی شده‌اند. این نوع کتاب‌ها اغلب ادبیاتی غنی برای کودکان به ارمغان می‌آورد؛ هم از لحاظ موضوع و هم از لحاظ به کارگیری روشی بسیار ظریف در برقراری ارتباط بین تصاویر و داستان.

علاوه بر خواندن این کتاب‌ها، می‌توان در خانواده در مورد آن‌ها بحث کرد. برای دسترسی مداوم به کتاب، با موضوعی جدید، می‌توان از کتابخانه استفاده کرد. خواندن این نوع کتاب‌ها، زمینه ایجاد ارتباط بین کودک و یکی از مهم‌ترین عوامل شناخت ادبیاتی پایدار و ماندنی را ایجاد می‌کند و می‌بایست در رأس برنامه‌های مراکز پیش-

اگر کودک، در حین آموزش درست گفتار، اصول نحو زبان را هم بیاموزد، نمی‌تواند آن را به خوبی بفهمد؛ حتی اگر قبلاً در مورد زبان نوشتار چیزهایی آموخته و زبان گفتارش هم در حد خوبی باشد.

اگر می‌خواهیم کودک، در آینده، توانایی مناسبی در خواندن داشته باشد و در مدرسه، وقتی به صورت اصولی، خواندن را می‌آموزد با لغاتی رو به رو شود که با آن‌ها مأنوس است، بهتر است که او را با لغاتی که سر و کار دارد، آشنا کنیم تا بتواند آن‌ها را بخواند.

یکی از مؤثرترین فعالیت‌هایی که در این حوزه انجام می‌شود، این است که از یک کودک و یا گروهی از کودکان، درخواست می‌شود متنی را که دوست دارند، در دل مطلب دیگری، به مربی خود دیکته کنند. این فعالیت‌ها به تدریج، کودک را با روش درست خواندن آشنا می‌کند. هنگامی که بر کودک روشن شد که او برای دیکته گفتن باید آرام و شمرده بخواند و لغات را درست ادا کند، آن وقت به ساختار درست کلمات بیشتر دقت می‌کند. این روش حرف‌زدن، برای کودک غیرمعمول است، ولی کم‌کم می‌فهمد که خواندن یک متن، با حرف‌زدن عادی فرق می‌کند.

وقتی کودک، متنی را به مربی خود دیکته می‌کند، با عکس‌العمل او در مقابل اشتباهاتش رو به رو می‌شود. مثلاً مربی می‌گوید، فلان کلمه را هنگام نوشتن، به این صورت به کار می‌برند و یا فلان کلمه را در نوشتن به کار نمی‌برند. به این ترتیب، کودک کم‌کم با دنیای نوشتن مأنوس می‌شود و به بازبینی منتقدانه آن‌چه در دیکته گفته، می‌پردازد.

کودک کم‌کم آگاهی می‌یابد که صحبت‌هایش در یک نوشته ثبت شده است و او می‌تواند با

دبستانی باشد. وزارت آموزش و پرورش فرانسه، هر سال کتاب‌های مناسب این گروه سنی را معرفی می‌کند که خود در انتخاب‌مربیان بسیار مؤثر است.<sup>۳۳</sup>

### ساختن اولین پایه‌های شناخت ادبیات

روند خواندن باید با هدف ساختن تدریجی پایه‌های شناخت ادبیات، متناسب با سن کودک و نیازی که او دارد، انتخاب شود. این برنامه، به کودک اجازه می‌دهد با آثاری غنی آشنا شود؛ هم آثار کلاسیک و هم آثار جدید که تمام خصوصیات ادبیات کودک عصر حاضر را در خود دارد.

کودک کم‌کم با شخصیت‌های داستان و خصوصیت آن‌ها آشنا می‌شود و در موضوع داستان، دقت می‌کند و حتی نویسندگان و تصویرگران مورد علاقه خود را می‌شناسد. این آمیخته شدن با کتاب، از سال‌های اولیه زندگی کودک آغاز می‌شود و باید در دوره پیش‌دبستانی و مدرسه نیز ادامه یابد تا پایه‌های محکمی در ذهن او ایجاد شود و در آینده، خودش بتواند به راحتی کتاب بخواند.

در مورد کودکان دو ساله، آنچه در ارتباط آن‌ها با کتاب مهم است، خواندن کتاب با صدای بلند به وسیله مربی یا والدین است و توضیح تصاویری که در کتاب، همراه داستان آمده است. در مورد کودکان سه ساله، بهتر است از آن‌ها خواسته شود تا داستانی را که برای‌شان خوانده شده، با زبان خاص خودشان مجدداً تعریف کنند.

کودک فقط از روی تصاویر می‌تواند داستان را حفظ کند. گفت و گویی که در خلال داستان پیش می‌آید، باعث می‌شود مربی قسمت‌هایی از داستان را که کودک خوب متوجه نشده و یا فراموش کرده و یا اشتباه فهمیده است، تصحیح کند.

از پنج سالگی، علاوه بر خلاصه‌گویی، کودک می‌تواند بحث و گفت و گویی نیز در باره داستان انجام دهد که در درک بهتر داستان، به او کمک خواهد کرد.

برای توضیح اطلاعات روی جلد کتاب و صفحه عنوان، نباید وقت زیادی صرف کرد؛ چون کودک را خسته می‌کند. کار اصلی، از اول داستان شروع می‌شود. بهتر است از کودک بخواهیم قسمتی از داستان را با کمک شکل پیدا کند و یا این که در مورد کتاب‌های جدید، از او بخواهیم داستان را از روی تصاویر حدس بزنند.

در تمامی این موارد، تعریف کردن داستان و خواندن آن با صدای بلند و بحث در مورد مضمون داستان بر عهده‌مربی است. هر بار که مربی داستان را می‌خواند، باید بکوشد با صدایی رسا و شمرده و با احساس بخواند. او هنگام تعریف کردن یک داستان، از کلمات خود استفاده می‌کند، ولی برعکس، هنگام خواندن داستان، اصلاً نباید کلمات داستان را برای فهم کودک عوض کند. به این ترتیب، کودک متوجه تفاوت‌های زبان گفتار و نوشتار می‌شود و ضمناً در دوباره‌خوانی کتاب توسط فرد دیگر، متن کتاب، در ذهن کودک باز هم مرور می‌شود. بارها دیده شده است که مربی در تعریف داستان، برای انتخاب کلمه‌ای مناسب، دچار مشکل شده و حتی کلمه‌ای مناسب را جایگزین نکرده است. بنابراین، خواندن از روی متن کتاب، همان گونه که هست، بهترین راه حل به نظر می‌آید. باید در نظر داشت که این کتاب‌ها متناسب با سن کودکان است.

### آشنایی با واحدهای آوایی زبان

سیستم نوشتن الفبا اختصاصاً بر پایه ارتباط میان واحدهای مشخص زبان شفاهی (حرف) و نوشتن (واج) است. یکی از مشکلات یادگیری نوشتن، به مشکل بودن فهم اجزای آوایی زبان برای یک کودک مربوط می‌شود. در حقیقت، آنچه کودک در مورد آوای زبان باید بداند، تنها فهم

۳۳. در ایران هم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای کتاب کودک، کتاب‌های مناسب کودکان را در هر گروه سنی معرفی می‌کنند.

## از پنج سالگی، علاوه بر خلاصه‌گویی، کودک می‌تواند بحث و گفت و گویی نیز در باره داستان انجام دهد که در درک بهتر داستان، به او کمک خواهد کرد.

در دوره دوم، خصوصاً از پنج سالگی به بعد، کودکان به شناسایی هجاهای همسان تشویق می‌شوند. در این زمان است که می‌توان تمام سیستم ردیف و قافیه را آموزش داد (همسانی هجاهای اول را نیز می‌توان در فعالیت‌ها جای داد). بازی‌ها، با شناسایی لغات و جابه‌جا کردن هجاها، اضافه کردن هجاهای دیگر به لغت در حین بازی، به روشی که بتوان خود هجا را هم شکست و مقایسه لغاتی که تنها یک حرف در آن‌ها تفاوت دارد، شکل می‌گیرند. البته، نباید کودکان را در جداسازی هجاها تحت فشار قرار داد؛ چون باید توجه داشت که آن‌ها هنوز خواندن و نوشتن را به طور کامل نیاموخته‌اند.

به طور کلی، تمام این فعالیت‌ها می‌بایست کوتاه باشد و در عین حال مداوم. از طرفی، هر بازی باید قانون مشخص و روشنی داشته باشد و زمان خاصی را در برنامه کودکان، به خود اختصاص دهد.

منبع: اینترنت

عنوان به زبان اصلی:

Le domain Littérature dans les nouveaux programmes  
Extraits des nouveaux programmes de l'école primaire

آن‌هاست، نه تجزیه و تحلیل و نحو آواها. بنابراین، خوب است که به کودک اجازه داده شود تا آنچه را شنیده و یا خودش گفته، گوش دهد و به جنبه‌های ظاهری پیام نهفته در یک گفته توجه کند.

می‌دانیم که شعر با اجزای ظاهری کلام بازی می‌کند؛ یک بازی همزمان با آهنگ و آوا و معانی کلمات. بنابراین، تنها از یک راه می‌توان کودکان را با روشی جدید، به دنیای نوشتن نزدیک کرد. بازی با آواز، شعر، موسیقی، نمایش و نظایر آن از جمله مواردی است که با جلب توجه کودک، ناخودآگاه، او را با واحدهای مجزای زبان آشنا می‌کند. بخش کردن، یک روش بسیار مؤثر در تشخیص واحدهای آوایی زبان به حساب می‌آید. تشخیص هجاهای یک گفته، اولین قدم به سوی شناخت آواهای زبان است. باید در نظر داشت که بخش کردن واحدهای آوایی زبان شفاهی، بر اساس منطقه جغرافیایی، متفاوت است. یکی از ساده‌ترین روش‌های تشخیص درست هجاها، بخش کردن آواها با آهنگین کردن کلمه و حرکت دست‌هاست. همین‌طور می‌توان از بازی‌هایی که در آن‌ها از کشیدن یک صدا و یا یک هجا استفاده می‌شود و یا کوتاه کردن لغات، پشت هم گفتن هجاها و وصل آخرین هجای یک کلمه به اولین هجای کلمه بعد، کمک گرفت. این بازی‌ها فقط بازی هجاهاست و به معنی آن‌ها توجه نمی‌شود.